

جمهوریت نسبتی با عوام جامعه دارد و شکل جدید حکومت اقلیت
 خواص بر اکثریت عوام را که با نام ملت صورت می‌گیرد، جمهوری
 می‌نامند؛ اما به نظر می‌رسد که نقش عمیق‌تری برای عوام جامعه در
 نظام جمهوری اسلامی وجود دارد. مفهوم عوام که در لسان قرآن کریم با
 تعبیر «امّیون» به کار رفته است در مورد عوام یهود در آیه ۷۸ سوره بقره مورد
 مذمت قرار می‌گیرد؛ اما برعکس در مورد عوام پس از ظهور اسلام در آیه
 دوم سوره جمعه مدح می‌شود. توجیه این تفاوت را می‌توان در حدیث
 امام صادق (ع) به نقل از امام حسن عسگری (ع) که در احتجاج شیخ
 طبرسی نقل شده، ملاحظه نمود. عوام یهود با وجود اطلاعشان نسبت
 به فسق علمای خود، از آن‌ها تبعیت می‌کردند اما با بعثت پیامبر گرامی
 اسلام، اتفاقی در عوام جامعه شکل گرفت که در امّیون یهود وجود نداشت.
 اسلام توانست قدرت قضاوت و قیام دینی را در عوام جامعه ایجاد کند. آن
 چیزی که در مأموریت رسول گرامی اسلام به «فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ
 مَعَكَ» تعبیر شده است.

در سوره جمعه پیامبر اسلام را از «الْمُتَّبِعِينَ» می‌شمارد و شاید تعبیر «الْأُمِّيِّينَ»
 برای پیامبر اسلام هم اشاره به این اتفاق مهم داشته باشد که قرار بود
 توده‌های مردم به واسطه پیامبر اسلام، قدرت قضاوت و هویت و شخصیت
 پیدا کنند. به تعبیری قیام لله که هویت‌ساز است؛ به عهده عوام جامعه
 گذاشته شده است که مبنای مردم‌سالاری دینی می‌باشد. امّیون و عوام
 مخیر هستند که یا مثل عوام یهود از علمای فاسد تبعیت کنند یا این‌که
 با روحیه انقلابی، به دنبال علمای صالح و تشکیل حکومت دینی باشند.
 در ذیل آیه «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ الْأَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (بقره:
 ۷۸) آمده است که امام صادق (ع) فرمودند «وَأُضْطَرُّوْا بِمَعَارِفِ قُلُوْبِهِمْ»؛ به
 حکم فطرت الهی که در سرشت هر کس قرار داده شده است، می‌دانستند
 که هر کس که چنین اعمالی داشته باشد نباید قول او را پیروی کرد و نباید
 قول خدا و پیغمبران خدا را از زبان او قبول کرد. بعد فرمودند: و اما هر یک
 از فقها صائِن نفس، حافظ دین، مخالف هوا و مطیع امر مولایش باشد؛ بر
 عوام است که از او تقلید کنند. لاجرم آن افرادی که خدا از قلب آن‌ها آگاه
 است که آن‌ها قصدی ندارند جز اینکه دین خود را حفظ کنند و اطاعت
 ولی خدا را ترک نکنند، خدا این افراد را دست این علمای متقلب کافر باقی
 نمی‌گذارد و بیرون می‌آورد. و مؤمنی را می‌گذارد تا آن‌ها را از این‌ها بیرون
 بکشد و راه صواب را به آن‌ها تعلیم کند. آن وقت خداوند آن عوام را هم
 موفقش می‌کند تا از این‌ها حرف بشنود. پس خداوند برای آن مؤمن خیر
 دنیا و آخرت را جمع می‌کند و هر کسی که او را می‌خواهد گمراه کند لعن
 دنیا و آخرت بر او جمع کند.